

حق کار و حق تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده باید در قانون اساسی تأمین شود

در صفحه ۲

هشدار که باید جدی گرفت

نیروهای راست افراطی برای مثله کردن متن و روح استقلال طلبانه و دموکراتیک قانون اساسی تلاش می کنند

خواهد بود که برای تمام عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مالی، فرهنگی، رفاهی، و غیره تدوین خواهد شد، پیش نویس قانون اساسی در خطوط کلی خود خواسته های مشروع و حقه مردم ایران را منعکس می سازد ولی این سندی است که با افزایش فصول و مواد بر آن ویا تلقیح برخی مواد آن، میبایستی درجهت همان دود هدف عمده - استقلال ملی و آزادیها و حقوق دموکراتیک تکمیل و اصلاح گردد. اما در بحثی که پیرامون پیش نویس قانون اساسی جریان دارد، متأسفانه کم نیست انتقاداتی در جهت مثله کردن آن، درجهت انحراف توجه بلزوم تصریح مبنای استقلال اقتصادی و سیاسی و بویژه بقیه در صفحه ۲

بحثی انتقاد آمیز پیرامون پیش نویس قانون اساسی در جریان است. این امری است طبیعی. قانون اساسی سندی است با اهمیت خطیر تاریخی. در آن میبایستی دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی انعکاس یابد، متن و روح آن چنان باشد که راه را برای تأمین و تضمین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی کشور، تأمین و تضمین آزادیها و حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی مردم ایران و همه خلقهای ساکن کشورها، بکشد و هموار سازد. قانون اساسی، قانون مادر است. انقلاب ضد امپریالیستی (ملی) و ضد استبدادی (دموکراتیک) ما قلم بطلان بر تمام قوانین دوران رژیم پهلوی کشیده است. قانون اساسی جدید پایه و اساس تمام قوانینی

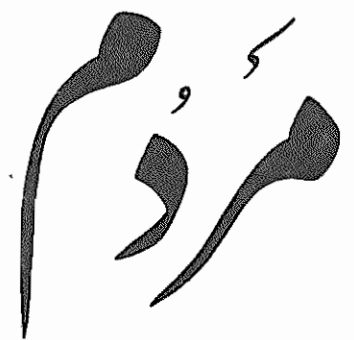
نیروهای مسلح باید از مأموران ساواک و ضد اطلاعات پاک شوند

تصویب نامه ای زیر عنوان «فرمان عفو نظامیان» در روزنامه ها انتشار یافته است که با مسئله بسیار مهم ضرورت تصفیه ارتش، شهربانی و زاندا مروری بر خورد میکند. در این تصویب نامه آمده است که هر کس در مورد اتهاماتی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادسراها و دادگاههای انقلاب جمهوری اسلامی ایران است، علیه افراد و پرسنل شاغل ارتش، شهربانی و زاندا مروری جمهوری اسلامی ایران شکایت یا اعلام جرمی داشته باشد، میتواند حداکثر تا تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۹ (نیمه شعبان ۱۳۹۹ هجری قمری) با ذکر دلایل و ارائه مدارک... بدادسرا های انقلاب جمهوری اسلامی ایران تسلیم نماید. اتهامات افراد و پرسنل ارتش، شهربانی و زاندا مروری جمهوری اسلامی ایران مربوط به قبل از تاریخ فوق که نسبت با آنها (تا تاریخ مذکور) شکایت یا اعلام جرمی نشده باشد قابل رسیدگی و تعقیب و مجازات نخواهد بود.

این تصویب نامه مظهر امر بوط به شاکیان خصوصی است و بنابر این «فرمان عفو نظامیان» نیست و نباید باشد. زیرا در غیر این صورت جنایتکاران و خیانتکارانی نظیر اویسی ها، رازهارها و واپلین با آنها چنانچه شاکی خصوصی نداشته بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد:

- بیانیه کمیته ایالتی حزب توده ایران در خوزستان (صفحه ۵، ستون اول)
- کارزار تبلیغاتی علیه افغانستان به سود چه کسانیست؟ (صفحه ۳، ستون اول)
- توطئه ای که در پشت دستگیری سعادت نفهته است. (صفحه ۶، ستون سوم)
- بیاد مهندس محمد برنامقدم یار وفادار توده ای (صفحه ۶، ستون اول)
- به ناراضی تر اشی پایان دهید (صفحه ۶، ستون چهارم)
- همچنان باید رفت - شعری از «شبنم» (صفحه ۶، ستون اول)



ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۳۶
شنبه ۱۶ تیر ماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

نقض آزادی های دموکراتیک بسود ضد انقلابست

کروهکهای مائوئیستی چه مستقیماً و چه از طریق تحریک احساسات مذهبی مردم صورت میگیرد. بکار بستن این شیوه عمل از نظر ضد انقلاب بویژه عمر بخش است، زیرا به نظر ضد انقلاب از یکسو بین گروه های سیاسی، که در انقلاب شرکت کرده اند، با انقلابیون مذهبی شکاف ایجاد میکند و از سوی دیگر ضد انقلاب میتواند خودی از جمله پشت نقاب مذهب پنهان کند. جالب اینجاست که مائوئیستهای شناخته شده نیز در بقیه در صفحه ۲

این پیروزی نهائی بدست آید، مردم ایران ریشه های نفوذ امپریالیستی را برکنند، از بازگشت ضد انقلاب جلوگیری کنند، دستاوردهای انقلابی را تثبیت کنند، باید امکان تجلی آزادانه اراده خلق فراهم گردد. حفظ و تحکیم آزادیهای دموکراتیک وسیله ای است برای پاسکاری کشور از نفوذ امپریالیسم و تحکیم استقلال واقعی (و نه صوری) کشور. بعلاوه آزادیهای دموکراتیک - آزادی بیان، عقیده، مطبوعات، جمعیت ها، احزاب و انجمن ها اعم از دینی، سیاسی، صنفی وسیله رشد کشور در تمام زمینه های زندگی است.

همه این مطالب معلوم است و ما یادآوری و تکرار آنها را از اینرو ضروری میدانیم که پدیده های نگرانی آوری در جهت نقض آزادیهای دموکراتیک، بگونه های مختلف دیده میشود و این پدیده ها متأسفانه گسترش می یابند. برکتا بفروشی ها حمله میشود، روزنامه فروشها را کتک میزنند، بر اجتماعات حمله میبرند و آنها را برهم میزنند، در میتینگها اختلال ایجاد میکنند، افرادی را از گروه های سیاسی، بدون ارائه دلیل، توقیف و زندانی میکنند و غیره. و حتی گاه به شکایت مثلا روزنامه فروشی که در معرض ضرب و شتم قرار گرفته و یا به دادخواهی گروه سیاسی نسبت به توقیف اعضای، نه از جانب دولت و نه از جانب برخی کمیته ها، اعتنائی نمیشود. حمله با آزادیهای دموکراتیک از جانب عناصر ضد انقلابی و

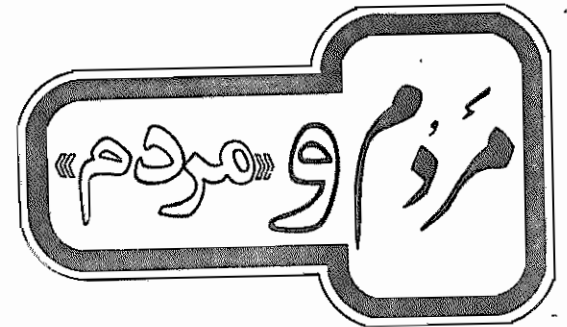
انقلابی را که خلقهای ایران متحداً به پیروزی رسانده اند، دارای دود هدف عمده بوده و هست: یکی رهائی کشور از چنگ سلطه مغرب و تاراجگرانه امپریالیسم و تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی ایران و یکی رهائی خلقهای ستمدیده ما از چنگ استبداد دشمن و جنایتکار و تأمین حقوق و آزادی - های دموکراتیک. بهمین جهت انقلاب ایران ضد امپریالیستی و ضد استبدادی، آزادیبخش ملی و دموکراتیک است. جنبه دموکراتیک انقلاب ایران از جنبه ضد امپریالیستی آن جدا نیست. پیوند این دو جنبه وقتی بیشتر محسوس میشود که بیاد آوریم امپریالیسم بوسیله استبداد آریامهری، یعنی از طریق سلب آزادیهای دموکراتیک توانست بر کشور ما مسلط گردد. این تکیه را هم باید تاکید کرد که تأمین آزادیهای دموکراتیک بدون ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم ممکن نیست و لذا مبارزه در راه تأمین آزادیهای دموکراتیک میباید در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی، انجام گیرد. به سخن دیگر مبارزه در راه آزادیهای دموکراتیک نباید به مبارزه ضد امپریالیستی که در شرایط کنونی مقدم است، لطمه بزند. امروز انقلاب ایران نخستین مرحله پیروزی خود را با سرنگون ساختن رژیم پهلوی و ایراد ضربه سختی بر استبداد امپریالیستی پشت سر گذاشته، ولی همه کس میدانند که انقلاب هنوز به سرانجام خود نرسیده است. برای اینکه

مداخله نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس خطر است جدی که دستاوردهای انقلاب و استقلال میهن ما را تهدید میکند

متزلزل شدن رژیمهای ضد مردمی دست نشانده امپریالیسم آمریکا در منطقه است. پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی در ایران، که به حیات تنگین و سراسر خیانت بار رژیم شاه مخلوع و زاندا مر آمریکا در منطقه پایان بخشید، امپریالیسم آمریکا را بر آن داشته، که در اجرای طرح تشکیل نیروی ضربتی جهت اعزام به منطقه خلیج فارس شتاب کند. اخبار مطبوعات و خبرگزاریهای جهان در هفته های اخیر گواه بر اقدامات عملی دولت آمریکا در زمینه اجرای این نقشه است. هفته گذشته دولت آمریکا بطور رسمی از گسترش حضور نظامی خود، در منطقه خلیج فارس خبر داد و اعلام نمود که یک نیروی ۱۱۰ هزار نفری ضربتی برای اعزام به این منطقه آماده میکند. در پی این اظهارات رسمی، برای پیاده کردن این نقشه به اقدامات عملی پرداخته شد بنا بر نوشته «واشنگتن پست»، کمیته مشترک روسای ستاد نیروهای مسلح آمریکا بررسی طرحهای مربوط به اعزام نیروهای ضربتی آمریکا به منطقه خلیج فارس را بی پایان رسانیده است. در این طرحها ایجاد فرماندهی امریکادرو خاور نزدیک و تشکیل واحدهای ذخیره، که در موارد لزوم از طریق هوا در منطقه خلیج فارس پیاده خواهند شد، بقیه در صفحه ۲

ایدئولوگ آمریکائی جیمز برون هم، زمانی نوشته بود که آمریکا اصولاً باید اصل عدم مداخله در امور سایر کشورها را کنار بگذارد. مداخله سریع، نیرومند و بی حد کافی موثر باید از موازین و ضوابط عادی و متداول در سیاست خارجی آمریکا شناخته شود. این توصیه ایدئولوگ آمریکائی تاکنون در سیاست خارجی آمریکا عملاً بکار رفته است. تجارب تاریخی نشان میدهد که در هر منطقه ای از جهان، که جنبش رهائی بخش خلقها پیروز میشود و در هر کشوری که علیه رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی دست نشانده امپریالیسم آمریکا مردم بپامی خیزند، دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا درباره تهدید و به خطر افتادن منافع آمریکا داد سخن میدهد و ماشین جنگی آمریکا برای جلوگیری از این «خطر» و دفاع از منافع انحصارات آمریکا به حرکت در می آید. مسئله تشکیل نیروی ضربتی ۱۱۰ هزار نفری، با ماوریت ویژه اعزام به منطقه خلیج فارس، بنظر محافظت منابع نفت و آبراههای تانکرهای نفتکش در این منطقه، دیر زمانی است که در محافل سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا مورد بررسی است. انگیزه طرح چنین مطلبی هم گسترش جنبشهای رهائی بخش ملی خلقهای این منطقه و در نتیجه

قرارداد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود



حق کار و حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده باید در قانون اساسی تأمین گردد

بخشی از کارخانه‌ها تعطیل و یا نیمه تعطیل اند، ارتش عظیم بیکاران در طلب کار، یسار تصنی بسر میبرند و یا تک تک و گروه گروه روانه ادارات کار، استاندارها و فرماندارها هستند. اکنون که رهبری انقلاب حمایت از مردم مستضعف را وظیفه مرکزی خود قرار داده است، بجاست که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، حق کار برای زحمتکشان مورد شناسایی قرار گیرد و آنچنان نظام اقتصادی بی‌ریزی شود که هر بازوی رنج و زحمت، جای شایسته خود را در آن بیابد.

دیگر از حقوق مسلم کارگران تشکیل اتحادیه‌های صنفی است که باید در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر آن تأکید شود. کارگران برای مبارزه بخاطر حقوق صنفی خود، باید بتوانند در سندیکاهای کارگری متشکل شوند و نمایندگان واقعی خود را برگزینند، از طریق این سندیکاهای صنفی، قانونی خویش را مطرح کنند، بانکیه بر نیروی متحد خود بخواهند که قانون کاری اساسی تنظیم روابط آنان با کارفرما و دولت قرار گیرد، که جوایب کوی نیازهای واقعی‌شان باشد، از طریق این اتحادیه‌ها بتوانند بر فعالیت تولیدی کارخانه خود نظارت داشته باشند و غیره.

چنانچه حق مسلم کارگران در تشکیل سندیکاهای واقعی مورد تأیید و شناسایی قانون اساسی، که قانون مادر است، قرار گیرد - ایمن طبقه محروم و مستکبر - از گزند قوانین ضد کارگری بطور عمده مصون خواهد ماند و دیگر مبارزه کارگران و استفاده آنان از حق به اعتصاب، از سوی مراکز کارفرمای و دولتی به فعالیت ضد انقلابی تبیین نخواهد شد. انقلاب مستضعفین وظیفه دارد که ضوابط معتبری را برای دفاع از منافع طبقات و اقشار مستضعف بوجود آورد و از آن با تمام نیرو حمایت کند.

هر یک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای چه در سطح کارگاهی و حرفه‌ای و چه در مقیاس سراسری کشور، حقیق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه‌ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی و شرائط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون ویژه‌ای تأمین شود.

حق کار از بدیهی‌ترین حقوق انسانی است که در قوانین اساسی کشورهایی که هدف خود را تأمین منافع زحمتکشان قرار داده‌اند، به صراحت بر آن تأکید شده است.

قانون اساسی انقلاب پیروزمند ایران نیز باید روشن و بی‌خنده این حق را برای تمام مردم میهنما بشناسد و یکی از نخستین وظایف دولت‌ها را ایجاد آنچنان شرائطی قرار دهد، که برشالوده آن، تمام مردم بتوانند به شغل و حرفه مورد علاقه خود دست یابند و با کار جسمی و فکری خود، که تکامل مرفقی کشور را در عین حال تسهیل کند، امرار معاش نمایند.

نظامهای ارتجاعی که تاکنون بر کشورما سلطه داشته‌اند، جز غارت دسترنج زحمتکشان و وظیفه‌ای برای خود نشناخته‌اند، نظام‌های اقتصادی مبتنی بر استثمار بیرحمانه، از نیروی کار زحمتکشان، هماهنگ با منافع نامشروع خود، بهره‌کشی نموده و سپس آنرا به خیابان ریخته‌اند، بی‌آنکه برای خود در قبال قربانیان غارتگری خود مسؤلیتی بشناسند. هم اکنون ارتبه شوم نظام چپ‌اولگری را در پیش روی داریم که بفرماندهی «آریامهر»، نمره کار میلیون‌ها کارگر زحمتکش را به حسابهای بانکی خارج و داخل سرازیر کرده، هزارها کارفرمای دزد و بهره‌کش اکنون فراری‌اند،

نقض آزادی‌ها...

تحریک احساسات مذهبی بر ضد نیروهای سیاسی، بویژه حزب توده ایران همواره فالتز می‌شوند. خلاصه نگاهی کلی به وضع آزادیهای دموکراتیک باعث شادمانی نیست، برعکس باعث نگرانی است. این وضع ایجاد میکند که کمیته‌های انقلاب از عناصر مشکوک تصفیه شوند. تصفیه این کمیته‌ها یکی از مهمترین وظایفی است که باید اصلت انقلاب با سرعت و دقت انجام گیرد. این وضع همچنین ایجاد میکند که دولت به مسؤلیت خطیر خود در قبال پاسداری از آزادیهای دموکراتیک توجه کند و وظایف خود را در این زمینه انجام دهد.

ما هشدار میدهم که نقض آزادیهای دموکراتیک کمکی است به ضدانقلاب. ادامه نقض آزادیهای دموکراتیک میتواند به سلب آزادیهای دموکراتیک منتهی گردد و سلب آزادیهای دموکراتیک وسیله مهمی برای بازگشت ضد انقلاب است.

نیروهای...

باشند، مشمول عفو خواهند گردید! بعلاوه از نیروهای مسلح کسانی در ساواک بوده‌اند که هنوز هم افرادی از آنها تصفیه نشده‌اند و فهرست نام این افراد محققاً موجود است. این فهرست باید منتشر شود تا مردم و پرسنل نیروهای مسلح آنها را بشناسند و نیروهای مسلح باید از این ماموران ساواک پاک شوند، افرادی از آنان که مرتکب جرم و جنایتی شده‌اند، تعقیب و مجازات گردند و بقیه آنان کلاً از نیروهای مسلح اخراج گردند.

همچنین در ارتش سازمانی بوده است (و گویا هنوز هم هست) بنام «ضد اطلاعات». این «ضد اطلاعات» در عمل ساواک ارتش بوده است و با ساواک و سیا همکاری داشته است. این سازمان نیز باید منحل گردد، ماموران آن، اگر مرتکب جرم و جنایتی شده‌اند، تعقیب و مجازات گردند و بقیه آنان از ارتش اخراج گردند. برای پاکسازی ارتش از ماموران ساواک و ضد اطلاعات نیازی به شاکتی خصوصی نیست. شاکتی نسبت باین سازمانهای ضد خلقی، تمام خلق است که دولت باید به نمایندگی آنها عمل کند. این پاکسازی برای تبدیل ارتش به ارتش خلقی، ارتش حامی خلق و برخوردار از احترام و پشتیبانی خلق ضرور است و دولت وظیفه دارد با تشکیل کمیسیونی و بر مبنای اسناد ساواک و اسناد سازمان «ضد اطلاعات» بی‌درنگ و با قاطعیت این اقدام ضرور را انجام دهد.

تصفیه ارتش و نیروهای انتظامی از ماموران ساواک و ضد اطلاعات، از این لحاظ نیز ضرورت دارد که پس از آن، پرسنل شاغل نیروهای مسلح، از اتهامی که بر آنها سایه افکنده رها میشوند، خود را مصون از سوئظ و سر بلند احساس خواهند کرد، خود را همچون فرزندان عزیز خلق و مورد احترام خلق خواهند دید.

مقامات دولتی و نیز ارتشی، که میخواهند ارتش «شماره» نباشد و خواستار «احیاء روحیه» در ارتشند، باید به تاسو سازی همه جانبه

دوست عزیز خ.ع. درباره ملی کردن بطور کلی و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ وابسته، در «مردم» بمناسبت ملی شدن بانکها و همچنین در اسناد اخیر حزبی مطالبی نگاشته‌ایم. در این ستون امکان توضیح بیشتری نیست. ولی پیشنهاد شما را برای آینده در نظر خواهیم داشت.

نامه آقای ی. راستگو از اصفهان رسیده است که به گفته‌های آقای طباطبائی معاون سابق وزارت کشور و معاون کنونی نخست‌وزیر - و بی‌مسئولیت بودن سخنان وی اعتراض کرده و بویژه سمپاشی در روابط با دوستان ایران و بویژه اتحاد شوروی را محکوم کرده است. وی مینویسد: «هنوز تعدادی از افراد مسئول در دولت انقلاب هنگام سخن گفتن واقیعت‌رادر نظر نمیگیرند». دوست عزیز! در این باره «مردم» نیز بموقع خود مطالبی نگاشته است که در سمت تحلیل شماست. با امید شما، که برای همیشه ریشه‌های امپریالیسم و ارتجاع از ایران قطع گردد، شریکیم. دست شما را میفشاریم.

از آبادان نامه ا.ج. رسیده، که به حزب، بخاطر آنکه «چون کوهی استوار بر عقیده و آرمان طبقه کارگر وفادار بوده» درود فرستاده و از پیشنهاد «جبهه متحد خلق» پشتیبانی نموده و «آنها بهترین راه برای تثبیت و پیروزی انقلاب» دانسته است. نویسنده از انتصارات طلبی انتقاد نموده و آتراسدی در راه پیشرفت انقلاب دانسته است. سپس چندین مطلب را پیشنهاد میکند تا درباره آن‌ها مقالاتی نوشته شود و بعلاوه پیشنهادهای عملی دیگری را هم برای بهبود کار عرضه میدارد، که بخاطر همه آنها متشکریم. جمع‌آوری سلسله مقالات مورد نظر شما را بصورت کتاب انجام خواهیم داد، ولی چاپ ارزان قیمت کتب لنین، بستگی به بهای کاغذ و چاپخانه دارد، که فعلاً از حدود امکانات خارج است.

و اینهم بخشی از نامه محمد رضام. از تبریز: «روزی در سه راه فردوسی مشغول فروش نشریه بودم. خانم هستی به همراه یک زن جوان و یک دختر کوچولو گذشتند. دخترک خواست یک عکس خسرو روزبه را بخرد و من نیز یک آدرخش بساو دادم که مطالعه کند. در این حین زن مسن یک «مردم» برداشت. خانم جوان بمن گفت، نشریه را باین خانم بده که توده‌ای است. من با تعجب پرسیدم راستی خانم توده‌ایست؟ وی گفت، بله، من توده‌ای هستم و آرزو داشتم که چنین روزی را ببینم و دوباره «مردم» را بخرم و بخوانم. من از شدت احساسات میلرزیدم و به حزب توده‌ای خود میبالیدم.»

دانش آموزان از فرصت بیشتری برخوردارند و میتوانند در کلاسهای آموزشی شرکت کنند. وی خواستار کلاسها و طرح طبقه بندی شده کتب است. دوست عزیز، آنطور که کسب اطلاع کردیم، شما میتوانید در این زمینه با روزنامه آدرخش تماس بگیرید. درباره طرح کتب نیز بنظر ما بهتر است، در سطح نوآموزی یک درسه نامه را، چه در زمینه فلسفه، چه در زمینه اقتصاد، پایه قرارداد و بترتیب و منظم مطالب را فرا گرفت و در هر فصل و بخشی، بفراخور مطلب، کتب جنبی را، که مربوط بآن مطلب میشود، مطالعه کرد. و گرنه یک عده کتاب خوب را پشت سر هم خواندن، به آن منظوری که شما دارید، کمک زیادی نمیکند.

نامه دوداننجوی دمکرات از تبریز رسیده است که با عبارت «درد بر زخمندگان عدالت و آزادی» آغاز میشود و با شعار «برقرار باد جبهه متحد خلق» پایان مییابد. دوستان ارجمند! البته هر وقت امکان حاصل شود، نظیر آنکونه سخنرانها ترتیب خواهد یافت و امید ما هم اینست که چنین برنامه‌هایی هر چه بیشتر و پرثمر تر باشد. درباره کمک، مالی شما هم تاکنون از طرف بانک فهرست حواله‌های بانکی واصله اخیر بما نرسیده است. بمحض وصول اعلام خواهیم کرد. متشکریم.

آقای محمد ل. نامه شما رسیده است. گمان میکنم در شماره‌های اخیر «مردم» پاسخ بخواست خود را یافته باشید، البته نظر شما درست است که باید متوجه غرض و رزیه‌های ضد توده‌ایها بود و اجازه سوء استفاده را بآنها نداد. موفقیت شما را خواهیم دید.

با اطلاع ش.ل. که از یکی از شهرستانها نامه نوشته، میرسانیم که نادر داخل و نادر پشت پاکت آدرسی بود که بتوان دانست در کدام شهر زندگی میکنید و پاسخی را که منتظرش هستید، داد.

آقای ا. ضیاء نامه شما هم، که مقیم خارجه هستید، ولی توسط دوستی از ایران نامه خود را پست کرده‌اید، رسید. منتظر خبرهای بعدی هستیم.

نمایندگان «مردم» در شهرستانها!

از نمایندگان فروش روزنامه خود با دفتر روزنامه اقدام کنند. «مردم» در شهرستانها تقاضا میشود با سپاس «مردم» که برای تسویه حسابهای معوقه

مداخله نظامی امریکا...

پیش‌بینی شده است. علاوه بر این در واشنگتن جلسات مشاوره محرمانه با شرکت اعضای بلند پایه دولتی برگزار گردیده، که در آنها مسئله اعزام نیروی ضربتی به منطقه خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته است.

هم اکنون در پایگاههای نظامی امریکا، واحدهایی از این نیرو مشغول آموزشهای نظامی ویژه‌ای هستند و بموازات این اقدامات یک ناوگان جدید، یعنی ناوگان پنجم امریکا برای استقرار دائمی در اقیانوس هند تشکیل میشود و پایگاه دریایی «دیگو گارسیا» در اقیانوس هند با سرعت نوسازی میشود. بدین ترتیب سخن بر سر عملیات نظامی و استراتژیک گسترده‌ای، بمنظور مداخله نظامی و گسترش حضور نظامی امریکا در سراسر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند است.

نقشه‌های امپریالیسم امریکا موجب نگرانی خلقهای کشورهای خاور نزدیک و حوزه اقیانوس هند میشود و این نقشه‌ها از جانب آنها محکوم میگردد. تصمیم واشنگتن جهت تشکیل نیروی ضربتی بمنظور مداخله نظامی در منطقه خلیج فارس، بخشی از استراتژی عمومی امپریالیسم امریکا را جهت سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی در مناطق گوناگون جهانی تشکیل میدهد. جانب دیگر این مسئله، که با پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی در ایران ارتباط مستقیم دارد، دستاوردهای انقلابی و استقلال و امنیت کشورما را در معرض خطر جدی قرار میدهد. هدف دیگر و شاید عمده فعالیت یرتبات امپریالیسم امریکا در زمینه تشکیل و اعزام نیروی ضربتی ویژه به منطقه خلیج فارس و بازتاب گسترده این اقدامات در رسانه‌های گروهی، عبارتست از پشتیبانی مستقیم از نیروهای ضد انقلابی و بازمانده‌های طرفداران رژیم سابق و عوامل ساواک در ایران و تشویق و ترغیب آنان به عملیات خرابکاری و ضد انقلابی.

باینکه این نقشه‌های نظامی و مداخله گرانه امپریالیسم امریکا، که مستقیماً علیه انقلاب مردم ایران و صلح و امنیت منطقه انجام میگردد، از جانب محافل دولتی کشورهای این منطقه حتی ملک خالد پادشاه عربستان سعودی و شیخ سالم الصباح وزیر دفاع کویت مورد نکوهش قرار گرفته و محکوم شده‌اند، متأسفانه از جانب دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، در این مورد تاکنون واکنش قاطع و جدی نشان داده نشده است.

دولت موقت که مأموریت انجام وظایف دوران گذار انقلاب را بر عهده دارد، به حکم خصلت ضد امپریالیستی انقلاب، مسوظف است در برابر این اقدامات تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا، که هدف مستقیم و اصلی آن تضعیف و شکست انقلاب ایران و استقرار مجدد سلطه اقتصادی و سیاسی و نظامی خود در این کشور است، با قاطعیت ایستادگی و مقابله کند.

و بنیادی ارتش بپردازند و در راه ارتش را از عناصر ضد خلقی، این مقصود، مؤتم بر هر چیز، باید ساواکی و ضد اطلاعاتی، پاک کنند.

هشدار...

در جهت تک کردن دایره آزادیها و حقوق دموکراتیک. شدت این تلاش ارتجاعی روز افزون است، که هم در قبال دعاوی غیر مذهبی و هم مذهبی انجام میگردد، و این بار دیگر نشان میدهد که نیروهای راست افراطی، هم مذهبی، و هم غیر مذهبی هم زبانند و برعکس انقلابیون راستین و ترقیخواهان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، در کنار هم قرار دارند.

حمله بر پیش نویس قانون اساسی، در جهت مثله کردن متن و روح استقلال طلبانه و دموکراتیک آن، مایه نگرانی است. ما به همه نیروهای استقلال طلب و ترقیخواه، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، هشدار میدهم که این خطری است جدی و نباید آنرا ناچیز شمرد. باید کمال هشیاری را داشت و در برابر این تلاش ارتجاعی بدعاقبت قویاً مقاومت و مبارزه کرد. ما امیدواریم که امام خمینی باین امر خطیر توجه داشته باشند. ما مطمئن داریم که اگر شخصیتها و نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه در برابر هجوم ارتجاعی بر پیش نویس قانون اساسی متحداً ایستادگی و مبارزه کنند، موفق خواهند شد که با برخورداری از پشتیبانی خلق هوشمند ایران، نه فقط هجوم ارتجاعی را بر پیش نویس قانون اساسی بی اثر سازند، بلکه مبانی و اصول، متن و روح آنرا در جهت دوهدف عمده انقلاب پیروزمند، یعنی استقلال و دموکراسی تقویت بخشند. بنظر ما، هجوم ارتجاعی بر پیش نویس قانون اساسی، مسؤلیت خطیری را بر عهده نیروهای ملی و آزادیخواه قرار میدهد. باید این مسؤلیت را جدی گرفت. ما وظیفه خود دانستیم که هشدار بدیم، و این هشدار را نیز باید جدی گرفت.

اخبار کارگری

خواسته‌های کارگران و کارکنان اداره آبیاری شهرستان صومعه سرا

مدت ده سال است که ما در امور آبیاری و آبرسانی به مزارع در تمام فصول سال مشغولیم، در صورتیکه فقط ۵ ماه از سال، هر روز بیست تومان بسا حقوق پرداخت می‌شود. در روزهای تعطیل طبق قانون کار دوران متفوق پهلوی به ما مزد تعلق نمی‌گیرد، با توجه باینکه کار ما مخصوصاً در فصول بهار و تابستان تعطیل بردار نیست. قوانین استخدامی درباره ما اجرا نمی‌شود و هر سال یک قرارداد پنج ماهه با ما منعقد می‌سازند. از ۵ ماه حقوق ما در سال حق بیمه کسر می‌شود، ولی از دفترچه بیمه و تأمین خدمات درمانی خبری نیست. در اداره آبیاری شهرستان و استان مقامی نیست که بخواسته‌های برحق و عادلانه ما گوش بدهد. کارگران و کارکنان فصلی این دو شهرستان ۸۰ نفر هستند. ما حتی در شرایط حساس فلی (فصل

نیاز مبرم به کارما) برای کمک کردن به کشاورزان، که از ما زحمتکش‌تر هستند، به هیچ نوع اعتراض و اعتصابی دست نزده‌ایم، اما اگر این بی‌توجهی نسبت به ما ادامه داشته باشد، ناگزیر دست به اعتصاب خواهیم زد. خواسته‌های ما بشرح زیرین است:

- برخورداری از مزایای استخدام رسمی،
- با توجه به هزینه سرسام آور زندگی تریبی داده شود که حداقل از رفاه نسبی بهره‌مند شویم،
- در ازاء کسر حق بیمه، دفترچه تأمین خدمات درمانی بما واگذار شود،
- مزایای ویژه در فصول بهار و تابستان
- پرداخت حقوق و مزایای سالهای گذشته،

کارگران ماشین سازی پارس خواستار پرداخت اضافه حقوق خود هستند.

تعداد ۲۱۰۰ نفر کارگران ماشین سازی پارس وابسته به شرکت گسترش صنایع ایران، که در پروژه واگن سازی اراک کار می‌کنند، از تاریخ ۱۷ خرداد در اعتصابند. خواست کارگران پرداخت اضافه حقوق ماهانه ۷۵۰۰ ریال است که قرار بوده از مهرماه ۱۳۵۷ به کارگران پرداخت شود و اخیراً به کارگران ماشین سازی اراک

تعداد ۲۱۰۰ نفر کارگران ماشین سازی پارس وابسته به شرکت گسترش صنایع ایران، که در پروژه واگن سازی اراک کار می‌کنند، از تاریخ ۱۷ خرداد در اعتصابند. خواست کارگران پرداخت اضافه حقوق ماهانه ۷۵۰۰ ریال است که قرار بوده از مهرماه ۱۳۵۷ به کارگران پرداخت شود و اخیراً به کارگران ماشین سازی اراک

تحصن در کارخانه ایران سویج

کارگران زحمتکش کارخانه ایران سویج برای رسیدن به خواسته‌های خود دست به تحصن زده‌اند. بخشی از خواسته‌های کارگران بشرح زیر است:

- ۱- رفع تبعیض در تمام سطح کارخانه،
- ۲- پرداخت ۳۰ درصد اضافه حقوق به کلیه کارگران،
- ۳- پرداخت حق مسکن و خواربار عقب افتاده،
- ۴- اخراج کارگر بایدطبق قانون و با مشورت اعضاء شورای کارگران انجام گیرد،
- ۵- تهیه وسائل ایمنی برای کلیه کارگران در حین کار،
- ۶- حل مشکل سرویس.
- ۷- پرداخت حق بیمه کارگران به سازمان بیمه‌های اجتماعی.
- کارگران توجه فوری به خواسته‌هایشان را طلب کرده‌اند.

فارغ التحصیلان بیکار شهر اراک تقاضای ارجاع شغل دارند.

بیش از ۲۰۰ نفر از فارغ التحصیلان بیکار شهر اراک (دیپلمه، فوق دیپلمه، لیسانس و فوق لیسانس) در استانداری این شهر دست به تحصن زدند و پس از مذاکره با استاندار و مدیران عامل چند موسسه و کارخانه ماشین سازی و رئیس آموزش و پرورش، قرارداد نمایندگان متحصنین صبح روز ۲۹

کارزار تبلیغاتی تحریک آمیز علیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به سود چه کسانیست و از جانب چه محافلی سازمان داده میشود؟

وشیوه مبارزه ضد انقلابی خود را زیر پرچم «دفاع از اسلام» تشخص داده‌اند و از حمایت و پشتیبانی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، کاملاً برخوردارند. این محافل با اعتبارات و کمکهای نظامی دول امپریالیستی گروههای مسلح خرابکار را در داخل و خارج از کشور، تحت نظر مستقیم کارشناسان نظامی چین و آمریکا و انگلستان و پاکستان آموزش می‌دهند، در پیشاور و دیگر شهرهای پاکستان، با اعتبارات امریکای انگلیس، گروههای خرابکاری ازجینتکاران حرفه‌ای و فئودال های افغانی، که پس از پیروزی انقلاب از افغانستان فرار کرده‌اند، سازمان داده میشود. این گروهها در اردوگاههای ویژه‌ای در خاک پاکستان، زیر نظر کارشناسان نظامی امریکائی و چینی آموزش نظامی می‌بینند و پس از آن، مقامات پاکستانی وسائل اعزام آنها را به خاک افغانستان فراهم میکنند.

کارگران، دهقانان، دانشجویان و همه اقشار مترقی و زحمتکش از دولت انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی می‌کنند و بمنظور سرکوب گروههای خرابکار و دفاع از دستاوردهای انقلاب در این کشور مبارزه برخاسته‌اند. در بسیاری از شهرها و روستاها که معرض حملات مسلحانه گروههای ضد انقلابی، که از خارج فرستاده می‌شوند، قرار دارند، به ابتکار خود مردم کمیته‌های دفاع از انقلاب تشکیل شده است. میهن پرستان افغانستان عزم راسخ دارند که در برابر ارتجاع و تحریکات امپریالیسم جهانی از دستاوردهای انقلاب کشور خود دفاع کنند.

خبرگزاری اطلاعاتی افغانستان «بختیار»، چند روز پیش، ضمن تفسیری درباره رویدادهای افغانستان، ادعاهای محافل دولتی و خبری برخی از کشورهای خارجی را درباره مداخله اتحاد شوروی در امور داخلی افغانستان، با قاطعیت تکذیب نمود و این اخبار و شایعات را تحریک آمیز نامید.

اما به رغم این واقعیات، محافلی هستند که آگاهانه و باهدف های خاص واقفیت رویدادهای افغانستان را تحریف میکنند و زیر عنوانهای جنجالی و تحریک آمیز، به نشر اخبار دروغ می‌پردازند تا از گمراهی و مشوب کردن اذهان عمومی بنبغ خود و محافل امپریالیستی، که در پشت پرده قرار دارند، بهره‌برداری کنند.

مقامات دولتی ایران در اظهارات رسمی خود، سیاست خارجی ایران را سیاست مستقل ملی و مبتنی بر پایه اصول دوستی و حسن همجواری با کشورهای همسایه توصیف میکنند. در ملاقات سفیر اتحاد شوروی در ایران با رهبر انقلاب، امام خمینی، بر روی کوششهای طرفین در راه استقرار و بسط روابط دوستانه و حسن همجواری و همکاری میان دو کشور تأکید شده است. در اظهارات مکرر آقای دکتر محمد مکرری سفیر کبیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی، نیز آمادگی و حسن نیت متقابل دو کشور جهت توسعه و تمیق روابط دوستانه و همکاری ایران و اتحاد شوروی خاطر نشان گردیده است. پس در اینصورت منطقی است که سؤال شود: آیا اظهار نظرهای بی مسئولیت و انتشار اخبار و گزارشهای مجعول و تحریک آمیز و نتیجه گیریهای تحریک آمیز تر از آنها، جز اینست که از جانب محافل امپریالیستی و محافل ارتجاعی در ایران و در افغانستان تلقین و تحریک میشود؟

آیا جز اینست که این تحریکات بزبان انقلاب ایران و انقلاب افغانستان، بزبان دوستی بین ایران و افغانستان، بین ایران و اتحاد شوروی است؟

خلفهای برادر ایران و افغانستان و دولتهای انقلابی این دو کشور باید متحداً بر ضد این تحریکات و توطئه‌ها مبارزه کنند. چنین است تنها پاسخ اصولی و صحیح به امپریالیسم و ارتجاع.

اخبار و گزارشهای زیر عنوانهای درشت و تحریک آمیز درباره اوضاع افغانستان در برخی از روزنامه‌های کشور انتشار مییابد. منبع این اخبار و گزارشها معمولاً «دفتر حرکت اسلامی» افغانستان، که گویا در مشهد مستقر است، «شاه‌دان عینی» و یا «مقامهای آگاه دولتی» و سرانجام «خبرگزاریهای غربی» است که توأم با پندار بافیهای افسانه آمیز گزارشگران و خبرنگاران ساخته و پرداخته شده و در صفحعات روزنامه‌ها درج میشود.

هدف این کارزار تبلیغاتی عبارتست از: (۱) دگرگون جلوه دادن واقفیت رویدادهای افغانستان می‌گذرد، (۲) نسبت دادن مداخله در این رویدادها به اتحاد شوروی، (۳) نتیجه گیریهای غیرمستقیم، اما مورد نظر و مطلوب محافل مین بنظور تقنین و تحریکات در مناسبات ایران با اتحاد شوروی، (۴) در سایه قسار دادن نیات و مقاصد محافل امپریالیستی در ایجاد و خاتم و تیرگی در اوضاع منطقه، (۵) قراردادن ایران در برابر کشورهای همجوار و از اینراه وارد کردن ضربات سنگین هم به انقلاب ایران و هم به انقلاب افغانستان، که هر دو، بنوبه خود و با اشکال متفاوت، در سمت استقلال ملی و تضعیف و از بین بردن منافع و مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا در این منطقه است.

و اما واقفیتهای رویدادهای افغانستان، انقلاب دموکراتیک خلق افغانستان، که در آوریل سال گذشته، برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، با قیام مسلحانه ارتشیان میهن پرست و شرکت فعال همه توده‌های زحمتکش علیه حکومت ارتجاعی و فئودالی در آن کشور آغاز و پیروز گردید، با ماهیت خلقی، ضد فئودالی و ضد امپریالیستی انجام گرفت. اعلامیه‌ها و اقدامات شورای انقلاب و دولت جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان، از همان نخستین روز پیروزی انقلاب تا کنون، در سمت بر انداختن حاکمیت ایلخانان و فئودالها در درون کشور و ریشه کن ساختن مواضع سیاسی و اقتصادی دول امپریالیستی و در راه ایجاد پایه‌های اقتصادی و فرهنگی جهت رفع عقب ماندگی اقتصاد کشور و اعتلای سطح زندگی مادی و فرهنگی زحمتکشان افغانستان بوده است.

شورای انقلاب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، آزادی و برابری کامل حقوق همه خلقهای ساکن افغانستان را، بدون وابستگی به تعلقات ملی و اعتقادات مذهبی، اعلام داشته و عملاً در راه تحقق بخشیدن به این حقوق و آزادیها اقدام میکند. دولت افغانستان آزادی کامل مذهب و فرهنگ و زبان ملی را برای همه پیروان مذاهب و خلقها و اقلیت‌های متفاوت اعلام و این آزادیها را در عمل تأمین کرده است.

انقلاب افغانستان و نظامی که در نتیجه پیروزی آن در کشور - مستقر یافته، نه یک انقلاب و نظام بر ضد دین اسلام و پیروان آن - چنانکه برخی‌ها میخواهند وانمود کنند - بلکه انقلاب و نظامی است بر ضد طبقات و قشرهای استثمارگر و جا بردار جامعه و بنبغ توده‌های وسیع زحمتکش استثمار شونده و زیر ستم، که اکثریت مطلق جامعه فئودالی افغانستان را تشکیل میدهند. در افغانستان هیچوجه مسئله بر سر تعرض و تجاوز به حریم اسلام و مسلمانان از جانب دولت انقلابی، که مورد پشتیبانی اکثریت قاطع کارگران و دهقانان و روشنفکران و دیگر اقشار زحمتکش، که همه مسلمانند، و دفاع محافل روحانی و مسلمان در برابر این تعرض و تجاوز نیست. مسئله بر سر مبارزه قاطع طبقات و توده‌های زحمتکش، که تا قبل از پیروزی انقلاب در زیر شدیدترین استثمار و ستم قرار داشتند، با جبهه متحد ارتجاع و فئودالهای داخلی است، که مواضع سیاسی و اقتصادی خود را برای استثمار و اسارت مردم زحمتکش از دست داده‌اند. این محافل، در شرایط کنونی، مناسبترین تاکتیک

از کمک‌های مالی رفقا و دوستان سپاسگزاریم

یک زن و شوهر جوان، به میمنت تولد نخستین فرزندشان، تصمیم گرفتند هدیه ویژه عروسی خود را، که عبارت بود از پنج سکه یک پهلوی و سه سکه نیم پهلوی، به صندوق حزب اهدا نمایند.

از بابل، هادی، عباس، منیژه و کمال ۵۰۰۰ ریال
شیرازیهای هوادار حزب توده ایران مقیم تهران ۶۰۰۰ ریال

گروه یاران مبارز (جمع آوری) ۴۰۰۰۰ «
م. ک. ۵۰۰۰ «
از بندر عباس، فرزندان محمد آقا ۵۶۰۰ «
مزدک (موجودی قلم) ۱۶۰۰ «
از شیراز شماره ۱۹۹ ۱۰۰۰ «
م. ع. ۲۰۰۰۰ «
م. الف. ۱۰۰۰ «
م. ب. غ. ۵۰۰۰ «

۱۰۲ ۵۰۰۰ ریال م. الف ۱۰۰۰ «
۲۵ ۵۰۰۰ « ع. م. ۲۰۰۰ «
۲۷ ۱۰۰۰ « ۱۹۹ ۱۰۰۰ «
۲۸ ۱۰۰۰ «
الف. ص. ۳۰۰۰ « سوسن خدام رادی از قصر شیرین ۱۰۰۰ «

کارگران بیکار فر کلف جنرال مکانیک به روزنامه «مردم» چنین نوشته‌اند:

خواسته‌های قانونی ۱۲۰۰ نفر کارگران شرکت فر کلف جنرال مکانیک وابسته به شرکت ملی نفت ایران در گیساران، خطاب به تمام نیروهای انقلابی و مدافعین حقوق حقه کارگران مستضعف، ما کارگران این شرکت در اعتصابات بحق شکوهمند خلق قهرمان ایران فعالانه شرکت جسته و بایکبار چگی به نفع رهبر عالی قدرمان لیک گفتیم و بادیگی زحمتکشان و مبارزان حق و آزادی همسنگر بودیم. در اوج گیری مبارزات، شرکت مذکور کارگران را اخراج و باقراردادی که در تاریخ ۵۷/۱۱/۴ و ۵۷/۱۲/۲۸ بر این مینا، که تا تصفیه حساب نهائی روزی ۸ ساعت حقوق می‌پردازیم، بین نمایندگان کارگران و شرکت منعقد گردید، شرکت حقوق کارگران را تا ۲۹ فروردین سال جاری پرداخت، در صورتیکه این حقوق تا ۲۸ اسفندماه محاسبه شده بود و بر اساس تصفیه حساب نهائی یک ماهه خلاف قرارداد عملی کرده. بعلاوه مزایای قانون را تا ششم بهمنماه ۵۷ محاسبه و نیمه از همین مبلغ را بعنوان کل مزایا منظور کرده است.

ضمناً برای احقاق حق به اداره کار و امور اجتماعی گیساران و اداره کل امور اجتماعی خوزستان و وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه شده، اما تا کنون ترتیب اثر داده نشده است. ضمناً شرکت ۸۳ درصد از ظرفیت کارش در این منطقه تکمیل است نه صد درصد.

از طرف ۱۲۰۰ نفر کارگران بیکار فر کلف جنرال مکانیک منطقه گیساران

از انتشارات حزب توده ایران: منتشر شد	امیر نیک آئین
ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی	یکصد گفتار برای نخستین آشنائی با شالوده‌های فلسفه مارکسیستی - لنینیستی
کتاب دوم	ماتریالیسم تاریخی
از انتشارات حزب توده ایران: گفت و گویی با چریک‌های فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران منتشر شد	

يك عضو كهنسال حزب سخي ميگويد

رقاي عزيز هيئت تحريريه روزنامه

مردم!

حامل پيامي گرم هستم، اجازه بدهيد پيام قديمي ترين عضو حزب توده ايران را در استان پنجم «كرمانشاه» كه حالي به علت كهولت سن قدرت حركت ندارد و در همان خانه‌اي كه سالهاي ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶ جلسات كميته ايالتی استان در آن تشكيل ميشد، ساكن است، توسط شما براي تمام اعضاء قديمي حزب و همه تير وهاي جوان، كه پرچم پرافتخار حزب را همچنان برافراشته نگهداشته اند، ابلاغ كنم.

درسراسر كرمانشاه و شهرهاي قصر شيرين و كوند و شاه آباد و ياره و همه جا كمتر كسي است كه «خالو فرج» را نشناسد. خالو در زبان كردي بمعناي دائي است. همه توده‌ايها وغير توده‌ايها همه آنان كه در مبارزات مردم ماسهي داشته اند و يا تماشاچي حوادث بوده اند اورا خوب مي شناسند بنام يك توده‌اي مؤمن.

به حكم وظيفه فرزندی و بنا بر تعهد اخلاقي موظف و ملزم به ابلاغ پيامي هستم. اود سال است از خانه خارج نشده و در گوشه‌اي با خاطرات خوش گذشته اش، كه سراسر مبارزه و افتخار است، روز را ميگذراند، چه خاطرات ايجابي را كه با سردار رشيد در دل كوههاي غرب و تفتك بردوش درگير و دار جنگهاي محلي و



عشايري بوده و بالاخره خاطرات مبارزات سياسي اش را، كه با ارتباط با حزب آغاز شد. همه براي شما گرمي آند. او در طی عمر هفتاد و نه ساله اش سه بار زنداني و محكوم شده است. ۱- بعد از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ۲- بعد از کودتای ۲۸ مردادماه ۱۳۳۲ همراه فرزندان، ۳- اردیبهشت سال ۱۳۳۸ همراه

هفتادسالگي مورد ضرب و شتم علي اصغر زماني، با جوي جلاذ ساواك قرار گرفت و ماهها در سلول تاريك يادگان كرمانشاه شاهد ستمي بود كه بر مبارزين كرمانشاه مي رفت.

با اين شرح حالي كه دارد، در آخري ن ديداري كه با او داشتم گفت:

«محمود، ميدانم تو به دفتر حزب سر ميزني، ولي يك بار را اختصاص بمن بده، چون خودم قادر به حركت نيستم، بجاي من به دفتر حزب مراجعه كن و سلام گرم مرا با درود فراوانم به تمام رفقا ابلاغ كن و بگو، خدای راشكر كه زنده ماندم و شاهد تجديدي فعاليت علني حزب توده ايران شدم و آرزوي آن را به قبر نبردم. همچنانكه ديگران بردند، چون روانشاد خسرو ويلاه و شاعر آزاده و مبارز و توده‌اي اميدل شيرمان، كه با تخلص «پولا» در شرايط خفقان رژيم محمد رضا روحيه را در جوانان زنده نگهداشت و مي گفت:

به پيماني كه بستم

به ايماني كه بر نارش نشستم همان مردی كه بودم باز هستم.

بدروز عبرت آموز بفرمائي كه باشد طفل امروز

به زنجيري كه پيچيده بدمستم همان مردی كه بودم باز هستم.

بهر حال فرزند، وقتي مردم، در ميان چمدانم كارت عضويت حزب ي ام را همچنان نگهدار يادت باشه شناسنامه ام

بعد از مرگ باطل مي شود، ولي كارت عضويت نه! از يولي كه ماهيانه تو و برادرانت بمن داده ايند و بر ايم فرستاده ايند دوزخ رايل مي دهم به صندوق حزب بده و خواهش كن از من پذيرند.

پيام اصلي من اين است كه، من در هر سه نوبت با زداشت و محكوميت، چه در زندان و سلول انفرادي و چه در زندان عمومي بگو اهي ياسداران و زندانبانان آن وقت و بشهادت زندانبانان توده‌اي وغير توده‌اي، هميشه فرايض ديني ام را به جا مي آوردم، ۵ نوبت نماز روزانه را مي خواندم، روزه را مي گرفتم و در زمان آزادي و آن وقت هم كه ديگر فعاليت حزبي نداشتم در فعاليتهاي كه براي ساختن مسجد اهل تسنن در كرمانشاه جريان داشت، كوشش مي كردم و بسهم خود فعاليت نم بخش داشتم. منظورم آنست، كه در عين آنكه سخت و محكم با اعتقادات مذهبي پاي بند بودم و هستم، ولي به حزب توده ايران اعتماد و اعتقاد داشتم و دارم و هيچ گونه مغايرتي در آن نسي بينم كه يك توده‌اي به اعتقادات مذهبي خود هم پاي بند باشد. و يا بالعكس يك فرد مذهبي عضويت حزب توده ايران را، كه دفتر عمرش با خون فرزنداناش نوشته شده است، داشته باشد.

با سلام و درود فراوان، فرج طاهر پور»

حامل پيام، محمود

به جنايات و تجاوزات مالكان بزرگ بايد رسيدگي شود.

«مردم» نامه‌اي دريافت کرده است از خانم اسانلو، دختر یکی از دهقانان مبارز شهرستان زنجان بنام غلامحسين اسانلو، كه سالها پيش با فئودالهاي منطقه و دار و دسته غارتگر ذوالفقارها مبارزه‌ها کرده است. در اين نامه شرح داده ميشود كه چگونه از باب چپاولگري و زورگو و اطرافيايي مردم را غارت کرده، داروندار آنها را بتاراج برده و خانه‌هاي دهقانان را از اثاثيه خالي کرده و محصولات چند ساله را گرفته و بلاهاي بيشمار بر دهقانان وارد آورده اند. چندين نفر از روستائيان نيز در جريان اين تاراجها بدست افراد مالك بزرگ كشته شده اند. فهرست جزئيات اموال و محصولاتيكه توسط ارباب بزرگ گرفته شده در نامه ذكر گرديده و نام كشته شدگان نيز آورده شده است. درخواست ميشود كه حالا پس از گذشت سالها و قوت پندمبارزي، اقلا انتقام مظلومين از ارباب گرفته شود و امثال ذوالفقارها، كه همه كس ميدانند چه پيداي نسبت بدهقانان زحمتكش روا داشته اند، پاي ميز محاكمه كشيده شوند و از مالكان بزرگ بخاطر همه تجاوزات و جناياتشان حساب پس كشيده شود. متظلم ميطلبند، براي آنكه حق بحد دار برسد، دست اين زالوها از دهات کوتاه گردد و در محضر دادگاه، عادلانه بخواستهاي دهقانان رسيدگي شود.

دهقانان با مبارزه و همكاري موفق ميشوند حق خود را بدست آورند.

نمونه فعاليت، همبستگي و اتحاد دهقانان دوطارس، از روستاهای بخش فيروزكوه، نشان ميدهد كه در صورت وحدت و مبارزه، دهقانان ميتوانند حق خود را بگيرند. در اين روستا قريب ۱۲۰۰ نفر زندگي ميكنند، گندم و جو و سبزمي ميکارند و چون کشاورزي و دامداري كفاف زندگي آنها را نميدهد، معمولاً در اواخر پائيز و زمستان براي كارهاي جزئي بشهرها ميروند. در زمان رژيم شاه مخلوع طی اصلاحات قلايي، با زدوبند قسمت عمده زمينهاي ملكي روستا، باسند قلايي، بنام ملكي باسند داستاني به ثبت رفته بود. قسمت مهم مراتع نيز واگرفت و چندصد هكتار از زمينهاي مرتع را صاحب شد. با تشكيل شركت تخميلي زراعي، همه زمينهاي كشت و مرتع زير تسلط مالك مزبور قرار گرفت. در آن موقع بارها دهقانان با دار و دسته مالك مقابله وزد و خورد نمودند، اما هميشه باز اندامهاي شاه خائن رو برو ميشدند و بزندان ميفتادند. بعد از انقلاب، روستائيان با همبستگي و اتحاد خود، با تفاق كميته انقلاب روستايي، قسمتي را كه شركت زراعي در اختيار داشت و قسمتي از مرتع را، كه خارج اجاره بود و بمالك تعلق داشت، گرفته و به سود خود مسئله را تمام كردند. بعلاوه شركتهای راهسازي كه قبل از انقلاب از شن و ماسه محدود اين روستا بطور مجاني استفاده ميكرند، حالا هم روستائيان و تلاشهاي پيگيرشان و بدنيال مذاكراتي كه انجام دادند، موفق شدند براي هر كاميون شن و ماسه ۱۵ تومان بگيرند. جوانان روستايي در امور روستا همكاري كامل با همه دهقانان اميكنند و تصميم گرفته اند كه براي پيشرفت امور روستا شوراي دهقاني خود را تشكيل دهند. اين نمونه دهقانان طارس فيروزكوه نشان ميدهد كه چقدر اتحاد و همكاري و مبارزه متحد ميتواند موفق باشد و مالك را بجاي خود بنشانند و حق دهقانان را باز پس بگيرد.

با «كروپ» و «كروپها» چه ميخواهيم بكنيم؟

خبري بود كه وزير صنايع و معادن ايران براي شركت در جلسات سالانه هيئت مديره و مجمع عمومي صاحبان صنايع فيردي كروپ و همچنين براي شركت در جلسات سالانه هيئت مديره و مجمع عمومي دوشركت برزيلي كه ايران و كروپ در آنها سرمايه گذاري مشترك دارند، عازم جمهوري فدرال آلمان شده است. متاسفانه در اين خبر اعلام نشده است كه هدف آقاي وزير از شركت در اين جلسات سالانه چيست، دولت موقت درباره سرمايه گذاري رژيم سابق در اين مؤسسه انحصاري، كه تا كنون چيزي جز زيان براي مردم ايران نداشته است؛ چه سياست و روشي را در پيش خواهد گرفت؟ با «كروپ» و «كروپها» چه ميخواهيم بكنيم؟ بطوريكه ميدانيم، اعطاي كمكهاي بلاعوض، واگذاري وامهاي درازمدت و سرمايه گذاريهاي مستقيم در كشورهاي خارجي يكي از اقدامات خيانت آميزي بود كه رژيم متفوريه لوي؛ پس از افزايش جهشي در آمد نفت؛ به آن دست يازيد. چارچپان رژيم سابق اين اقدام آشكارا ضد ملي را با بي شرمي تمام بمشابه افتخاري براي ايران قلمداد ميكرند. آنان ميگفتند ايراني كه تا ديروز از كشورهاي خارجي كمك و وام ميگرفت، اكنون از دونست سياست «خرمدندان» و «دوراندیشان» شاه، خود به كشوري ياري رسان و وام ده بدل شده است و ايران از قبل اين وامها و سرمايه گذاريها نه تنها سود و بهره خواهد برد؛ بلكه تكنيك مدرن و مديريت علمي را نيز به ايران ارمغان خواهد آورد!

ولي چنانكه واقعيتهای نشان ميداد، رژيم خيانت پيشه در حاليكه براي جبران كسر بودجه كه خود زائيده هنزبنه‌هاي سرسام آور نظامي، دزدكها و غارتگريها و ريخت و پاشيهاي دستگام بود، براي اخذ وامهاي پربهره و استقلال شكن دست گدائي بسوي بانكهاي بين المللي و كشورهاي امپرياليستي دراز ميكرد؛ كمكهاي راينگان و وامها و اعتبارهاي اعطائي رژيم، فقط و فقط به منظور جلب حمايت كشورهاي امپرياليستي، سر يانگهداشتن رژيمهاي دست نشانده امپرياليسم، نجات انحصارات در حال ورشكست و رشوه دادن به مؤسسات باصلاح غير انتفاعي كشورهاي امپرياليستي انجام ميگرفت.

كشورهاي نظير مصر، اردن، هاشمي، افغانستان پيش از انقلاب، شيخ نشين هاي دوبي، عجمان و فجييره از كمكهاي راينگان رژيم شاه بهره ميبردند. افغانستان پيش از انقلاب، به تنهائي در سال ۱۳۵۴، بيش از ۲۵ ميليون دلار كمك بلاعوض از اين رژيم دريافت كرد.

در حاليكه روستائيان ايران در نتيجه نداشتن پول و اعتبار لازم روز بروز فقير تر و ورشكسته تر ميشدند و کشاورزي ايران در آتش بحران و ركود ميسوخفت، رژيم شاه خائن مبلغ ۴۰ ميليون دلار كمك بلاعوض به صندوق بين المللي توسعه كشاورزي واگذار ميكرد. سازمان ملل متحد در همين ببال به اشكال مختلف بيش از ۲۱ ميليون دلار كمك راينگان از ايران بدست آورد و در شرايطي كه داوطلبان تحصيل، پشت در درواشه‌ها ميماندند، شاه خائن يك ميليون دلار مجانياً تقديم دانشكاه «بيردين» امريكا ميكرد.

رژيم شاه مخلوع كه سالانه مبالغ هنگفتي وام با شرايط سخت و با بهره زياد از كشورهاي امپرياليستي ميگرفت، خود بيش از ۸ ميليارد دلار، وام و اعتبار با شرايط سهل و بهره نازل در اختيار اين

كشورها و رژيمهاي ضد ملي و استبدادي و مؤسسات بحران زده ميگذاشت. فرانسه، طی دو سال ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵، دو ميليارد دلار وام از ايران گرفت؛ انگليس در همين مدت ۸۰۰ ميليون دلار. بازكشورهاي نظير افغانستان پيش از انقلاب، مصر، اردن، سودان وغيره از حاتم بختيهاي اعتباري شاه نصيب ميبردند. شركت «گروم» امريكايي كه با بحران مالي دست به گريبان بود، در سال ۱۹۷۴ هفتاد و پنج ميليون دلار وام از شاه مخلوع گرفت.

سرمايه گذاريهاي مستقيم رژيم سابق در واحدهاي توليدي ساير كشورها نيز همين هدفها را تعقيب ميكرد. مجموع سرمايه گذاريهاي اين رژيم تا پايان آبان ۱۳۵۷، حدود ۹۰۰ ميليون دلار بود. اين سرمايه گذاريها، برخلاف دعاوي رژيم، نه وسيله‌اي براي انتقال تكنيك معاصر به ايران شد و نه باعث پيدايش مديريت در ايران. از اين سرمايه گذاري عظيم حتى تقريباً درآمدي نصيب ايران نشده. كل سود دريافتي از اين سرمايه گذاريها، كه بطور متوسط ۴ سال از مدت آنها ميگذشت، از ۲۷/۶ ميليون دلار تجاوز نكرد، كه از ۱ درصد در سال هم كمتر است. وضع سرمايه گذاريهاي رژيم سرنگون شده در موسسه كروپ بازم اسف انگيز تر است.

مجموع سرمايه گذاري ايران در موسسه كروپ ۵۳۴/۲ ميليون دلار يا حدود ۶۰٪ مجموع سرمايه گذاريهاي مستقيم خارجي رژيم بود (با اين سرمايه گذاريها، ايران ۲۵/۲۴ درصد سهام فولاد سازي كروپ و ۲۵/۰۱ درصد سهام بنياد كروپ را بدست آورد). ايران، تا پايان آبان ۱۳۵۷، مجموعاً ۳/۳ ميليون دلار سود از اين سرمايه گذاري بدست آورده است كه ۰/۶ درصد سرمايه است. يعني سودي برابر ۰/۲ درصد در سال!

يكي ديگر از هدفهاي شاه مخلوع در اينگونه وامدهيها و سرمايه گذاريها، ذيقف كردن كشورهاي امپرياليستي در پشتماني از اين رژيم و نيز ايجاد تضمين براي وامها و سرمايه گذاريهاي كشورهاي امپرياليستي در ايران بود. رژيم شاه با دادن وام و سرمايه گذاري در كشورهاي امپرياليستي، ميخواست انحصارها و كشورهاي امپرياليستي را از سر نوشت سرمايه گذاريهاي آنها در ايران مطمئن سازد. اين واقعيتهای است كه روزنامه «مردم»، سالها پيش، در جريان افشاء سياستهاي رژيم در مناسبات آن با كشورهاي امپرياليستي، بر آن تاكيد كرده بود. چندي پيش رئيس بانك مركزي گفت كه دولت موقت با اين علت كه ايران ۱۰ ميليارد دلار سپرده در بانكهاي خارجي دارد، قادر نيست كه سهام بانكهاي خارجي را در ايران مصادره كند، زيرا احتمال دارد كه آنها نيز براي مقابله سپرده‌هاي ايران را توقيف كنند.

در واقع نيز رژيم شاه مخلوع، با قراردادهای وامها و سرمايه گذاريهاي خارجي خود، وضع دشواري براي دوران پس از انقلاب بوجود آورده است. ولي اين وضع دشوار بهيچوجه به معنای آن نيست كه دولت نتواند هر چه زودتر سياست و روشي روشن و موثري براي استيفاي حقوق حقه مردم ايران در پيش بگيرد و آنرا با سرعت و قاطعيت به مرحله اجرا در آورد. درآمد هنگفت نفت، نياز روز افزون كشورهاي امپرياليستي به ماده حياتي نفت، قدرت اقتصادي و مالي و فني عظيم جامعه كشورهاي سوسياليستي، بر خورداري از پشتماني انقلابي توده مردم و... همگي عوامل هستند كه بر توانائي دولت موقت و قدرت مانور آن براي جبران خيانتهاي رژيم سابق ميفرايند، شرايط براي اقدام موجود است. فقط دولتي مصمم و انقلابي، كه چشم به غرب ندوخته باشد، لازم است كه از اين شرايط بهره لازم بگيرد.

پرچم آمریکا در غنا، نیز، سوزانده شد

آمریکای مرکزی، سرپل سرکوبی جنبشهای آزادیبخش.

خبرگزاری تاس در گزارشی از نیکاراگوئه اعلام کرد که پنتاگون همیشه آمریکای مرکزی را به صحنه فعالیت‌های جدی خود بدل ساخته است. روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست اتحاد شوروی در تفسیری که به اوضاع نیکاراگوئه اختصاص داد، نوشت: «وزارت دفاع آمریکا، آمریکای مرکزی را سرپل سرکوبی جنبشهای آزادیبخش آمریکای لاتین می‌داند و برای همین منظور است که مدارس نظامی آمریکا، افرادی از آمریکای لاتین را برای سرکوبی این جنبشها تعلیم می‌دهند». پراودا متذکر شد که آمریکا اکنون به پشتیبانی از رژیم سوموزای دیکتاتور می‌کوشد. در گذشته، برای کودتای فاشیستی شیلی و کودتای ارتجاعی اوروگوئه، آمریکا امیدوار بود که می‌تواند اوضاع سیاسی را در آمریکای لاتین دگرگون سازد، لکن امروز دیگر این محاسبات بهم خورده است.

تهدیدهای ناشی از افزایش نیروهای مسلح آمریکا در خلیج فارس

خبرگزاری تاس در گزارشی از دهلی نو اعلام کرد که ارگان حزب کمونیست هند نوشت که نقشه‌های پنتاگون در مورد افزایش نیروهای مسلح آمریکا در حوزه خلیج فارس و ناحیه شمال غربی اقیانوس هند و خاورمیانه به وخامت اوضاع بین‌المللی و ایجاد یک سلسله تهدیدات برای امنیت کشورهای این نواحی خواهد انجامید. این روزنامه همچنین نوشت که نقشه‌های پنتاگون شامل ایجاد فرماندهی عالی و یک نیروی ویژه آمریکا در خاورمیانه و تشکیل ناوگان پنجم این کشور برای استقرار دائم در اقیانوس هند و دریای غربی می‌شود. ارگان حزب کمونیست هند در این مورد تأکید ورزید که اجرای این مقاصد آمریکا از تبدیل اقیانوس هند به یک منطقه صلح مناعت خواهد کرد.

از طرف دیگر خبرگزاری تاس در گزارشی دیگر از بیروت اعلام کرد که سالم الصباح وزیر دفاع کویت به آمریکا در مورد هر گونه کوششی بمنظور اشغال مناطق نفت‌خیز خلیج فارس هشدار داد. وی متذکر شد که آمریکا باید در سهای تلخی را که از ویتنام آموخت بیاد داشته باشد. وزیر دفاع کویت که اخیراً درمانور نظامی عربستان شرکت کرد در بازگشت از این کشور گفت که کشورهای ساحلی خلیج فارس تصمیم دارند که در برابر هر گونه مداخله نظامی در منطقه مقاومت کنند.

هیئت اعزامی از سوی پادشاه عمان در ایران چکار دارد؟

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه علم و صنعت، مانند دیگر گروهها و سازمانهای صنفی و سیاسی روشن بین، در پی ورود هیات نمایندگی پادشاه عمان به ایران بیانه‌ای صادر کرد و به این سفر اعتراض نمود. در بیانیه به حق یادآوری شده است که پذیرش هیئتی از سوی سلطان عمان از طرف مقامات مسئول مملکت، پیمان کردن خون شهدای خلق عمان و بی‌اعتنایی به ملت ستمدیده عمان تلقی می‌شود. در همین بیانیه آمده است که دانشجویان مسلمان دانشگاه علم و صنعت از ادامه چنین روابطی ابراز نگرانی میکنند و خواهان قطع و یا حفظ حداقل رابطه با کشورهای دست‌نشانده امپریالیسم و ایجاد پیوند و همبستگی نزدیکتر با کشورهای مرفقی و جنبشهای رهاائی بخشی و حمایت همه‌جانبه از آنها هستند.

این واقعیت چون روز برای خلق ایران روشن است که سیاست خارجی رژیم سرنگون شده شام ساواک در سالهای گذشته، ادامه همان سیاست ضد مردمی در داخل ایران بوده است، شاه‌ارتش ایران را به فرمان اربابان آمریکائی خود به ژاندارم منطقه تبدیل کرده بود تا هر جنبش آزادیخواهی را سرکوب کند. سرکوب انقلاب به خون خخته خلق عمان بوسیله ارتش ایران، از جمله نمونه‌های خیانت رژیم شاه به خلقهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس است. بهمین دلیل است که خلق ایران، بس از پیروزی انقلاب شکوهمندش، به حق خواهان دگرگونی اساسی در سیاست خارجهی ایران است و با برقراری ارتباط برادرانه و انقلابی با خلقهای کشورهای مختلف منطقه، از جمله خلق ستمدیده عمان، که در طول رژیم شام ساواک مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار گرفته است، می‌خواهد که گذشته‌ها جبران شود. همین خواست عمومی است که باعث اعتراض به سفر هیات اعزامی از سوی پادشاه دست‌نشانده آمریکا و دشمن خلق عمان به ایران شده است. سفر این هیات به ایران در حالی انجام می‌گیرد که گزارشهای مبنی بر فعالیت‌های ضد انقلابیون، زیر نظر عمال رژیم سرنگون شده شاه در کشور عمان رسیده است و این نیروها، عمان را با توافق پادشاه این کشور، به پایگاهی علیه انقلاب ایران تبدیل کرده‌اند و در این زمینه از همکاری مستقیم رژیم دست‌نشانده آمریکا در عمان برخوردارند. مگر شاه در بحرانی‌ترین لحظات یاور سلطان عمان برای سرکوب انقلاب این کشور نبود؟ و حالا شاه از دوست قدیمی‌اش چه انتظاری می‌تواند داشته باشد جز خدمت به ضد انقلاب ایران؟

هیئت تحریریه روزنامه مردم! رفقای عزیز!

خانواده محمد فریبا، بخاطر یادی که از افتخارات زندگی او کردید، تشکر میکنند. پیرمرد، که دیگر توان حضور در سنگر مبارزه را نداشت، پیروزیهای خلق، بازگشت «رفقا» و انتشار دوباره روزنامه را با اشک شوق و رضایت استقبال کرد، گو اینکه دهمین عمر استواری او، یقین به فرا رسیدن چنین روزهایی بود. با درود فراوان از طرف خانواده فریبا



به گزارش آسوشیتدپرس، عده کثیری از مردم در شهر آکرا، پایتخت غنا، تظاهرات بزرگ ضد آمریکائی برپا کردند و پرچم آمریکا را سوزاندند. تظاهرکنندگان که دانشجویان زیادی در میان آنها بودند، پشتیبانی خود را از شورای انقلابی نیروهای مسلح غنا، که رهبری کشور را بدست گرفته است، اعلام کردند. رئیس شورای انقلابی غنا در برابر تظاهرکنندگان اعلام داشت که حکومت انقلابی وی با مخالفت‌های داخلی و خارجی مواجه است، لکن این حکومت مصمم است که به روش کنونی خود در زمینه محو بقایای فساد در کشور ادامه دهد.

یاوه‌های کیسینجر

هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا، همپالکی محمد رضای دزد و خائن و مناخیم بگین صهیونیست آدم‌ربا، در مصاحبه‌ای با الاهرام از پییمان به اصطلاح صلح بگین رسادات جانبداری کرد و گفت که واکنش منفی جهان عرب در برابر این پییمان ناشی از عدم درک خطمشی رسادات است. وی رسادات زبون و تسلیم‌طلب را «یک رهبر بزرگ عرب» توصیف کرد و گفت: «رسالت وی واجد اهمیتی عظیم بوده است»

کیسینجر که همواره بعنوان مدافع و کارچاق‌کن شاه خائن عمل می‌کرده است وی کند، موزیانه و شاید برهمنای این تصورات را که دردل «دوست» بهرحیله رهی باید کرد، گفت: «ما باید میان شاه که دوست آمریکا بود، و ایران که کشوری مهم است، فرق قائل شویم». وی ناشیانه جانبداری از استقرار روابط حسنه میان واشنگتن و تهران را با ستایش از «جسارت» رسادات، که شاه را به مصر دعوت کرده است، جمع کرد.

آمریکا دست‌اندرکار تدارک مقدمات فرار سوموزا است

رزمندگان ساندينيستا نیکاراگوئه در چند روز اخیر پیروزیهای بزرگی بدست آوردند. شهر بزرگ ماناگواکلا در ۱۰ کیلومتری شمال ماناگوا و دو شهر نزدیک آن به تصرف آنها درآمد. دوشهر اسیلی و لئون نیز، که سرانجام آنها آن تحت محاصره ساندينيستها در شرف سقوط هستند، بموجب آخرین گزارشها، ساندينيستها اکنون نظارت کامل بر ۲۳ شهر را در دست دارند و حلقه محاصره ماناگوا را تنگتر کرده‌اند.

از طرف دیگر، به گزارش آسوشیتدپرس، کارگران بارانداز نیکاراگوئه در ساحل اقیانوس اطلس قیام کردند و سه فروند کشتی متعلق به سوموزا را به تصرف درآوردند. این کارگران اعلام کردند که کشتیها را در اختیار دولت موقت ساندينيستها قرار خواهند داد.

تاس، خبرگزاری شوروی، با استناد به گزارشهای رادیوی ساندينيستها اعلام کرد که آمریکا دست‌اندرکار تدارک مقدمات فرار سوموزا از نیکاراگوئه است. رادیوی ساندينيستها همچنین اعلام کرد که آمریکا درصدد است که پس از فرار سوموزا، یک حکومت خیمه شب‌بازی در نیکاراگوئه علم کند تا رژیم ارتجاعی طرفدار آمریکا در این کشور ابقاء شود. لکن این اراده مردم نیکاراگوئه است که سرنوشت این کشور را تعیین خواهد کرد.

بخاطر از میان بردن کامل و سریع وابستگی سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور به امپریالیسم بین‌المللی، بویژه امپریالیسم آمریکا، بخاطر انقاي فوری قرار دادهای دوجانبه نظامی، مستشاری و تسلیحاتی با آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی و بخاطر سرکوب سریع ضد انقلاب داخلی، اعم از اعضای ساواک و زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و سایر عناصر ضد انقلابی و همچنین برای بارور کردن انقلاب و برگشت ناپذیری آن و ساختن ایرانی آباد، آزاد و مستقل، باید همه نیروهای مترقی و ضد امپریالیست و انقلابی در جبهه متحد خلق گرد آیند. بگذار میهن ما مظهری درخشان از اتحاد انقلابی و ضد امپریالیستی مردم ما برای سعادت و رفاه و ترقی همه خلقهای ایران و یاپیکاهی مطمئن برای صلح و دوستی بین ملتها و حمایت از جنبشهای رهائی بخش ملی جهان، مخصوصاً جنبش آزادی بخش مردم ستمدیده فلسطین گردد.

تشکیل جبهه متحد خلق برای از میان بردن کامل و سریع سلطه اقتصادی، نظامی و سیاسی امپریالیسم بر ایران، نوسازی اقتصاد، صنعت، کشاورزی و فرهنگ بر اساس از میان بردن استبداد و برقراری حکومت مردم بر مردم و برای نیل به هدف عدالت اجتماعی، یک ضرورت مبرم و حیاتی تاریخی است و تاریخ هیچگاه غفلت یا سرپیچی از انجام این وظیفه حتمی را نخواهد بخشید. مسلماً راه حق پیروز خواهد شد و نیروهای ضد استعماری و انقلابی کشور، همانطور که در ماهها و روزهای پرشکوه انقلاب نشان دادند، بطور حتم راه اتحاد را در عمل خواهند پیمود و بسر منزل شکست و انقراض قطعی و نهایی دشمنان انقلاب خواهند رسید. مسلماً توطئه‌های امپریالیسم آمریکا، اسرائیل، بازمندانگان ساواک و سایر عناصر ضد انقلاب ایران خنثی خواهد شد و خلقهای متحد ایران از این بوته آزمایش نیز سربلند و پرافتخار بیرون خواهند آمد.

برقرار باد جبهه متحد خلق، ضامن پیروزی نهایی انقلاب مردم ایران بر امپریالیسم، صهیونیسم، و ارتجاع داخلی!

حزب توده ایران - سازمان ایالتی خوزستان

۱۳۵۸/۴/۱۱

بیانیه

کمیته ایالتی خوزستان حزب توده ایران

هبوطان عزیز و مبارز خوزستانی

کمیته ایالتی خوزستان - حزب توده ایران، در این روزهای حساس تاریخ میهن ما، درباره توطئه‌های جناحکارانه‌ای که امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم، عوامل شاه مخلوع، ساواکیهای ددمنش، زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم برای رجعت انقلاب در خوزستان بدوران گذشته یا شبه گذشته و تجزیه این بخش ثروت خیز از کشور ما می‌چینند، هشدار میدهد.

حمله‌های وحشیانه امپریالیسم و عوامل وابسته به او برای نیل به این هدف ننگین پیوسته افزایش می‌یابد و در این میان، بویژه خرمشهر و آبادان مهمترین آماج حمله‌های دشمنان سوگند خورده انقلاب بوده است. اردوی ضد انقلاب داخلی و خارجی، با وجود ضرب‌های سهمگینی که از پیک‌گران انقلاب توده‌های میلیونی مردم میهن ما دریافت کرده است، با استفاده از ناپیکیری دولت موقت و نقش ترمزکننده بورژوازی لیبرال و پیراهه‌گرایی گروههای افراطی چپ‌نما و راست، توانسته است، به رهبری سازمانهای جاسوسی سیا، موساد و ساواک تجدید سازمان کند و در پاره‌ای نقاط، از جمله در خوزستان عزیز ما، با سفاکیها و خرابکاریهایی که در خرمشهر پیش آورده و می‌آورد، حتی به انجام ترمضهای خرابکارانه توفیق یابد. در این جریان، نفاق افکنی در نیروهای ملی و ضد امپریالیست جزء بسیار مهمی از استراتژی ضد انقلاب را تشکیل میدهد. برای اجرای این استراتژی، ضد انقلاب از همه راهها و در آن واحد از هر دودر راست و «چپ» وارد میشود باید گفت که مهمترین تهدیدهای این سیاست نفاق افکنی، از یک سو تضعیف اعتبار رهبری امام خمینی، هم در میان توده‌های زحمتکش کشور و هم در میان خود جامعه روحانیت، و بعلاوه در سطح خوزستان تضعیف اعتبار استاندار است، و از سوی دیگر هدف این سیاست، تضعیف اعتبار و تخطئه مبارزان و دوستان واقعی انقلاب و مخصوصاً حزب توده ایران است. بررسی تلاشهای امپریالیسم بین‌المللی بر رهبری امپریالیسم آمریکا در اتحاد با صهیونیسم و ضد انقلاب و ارتجاع داخلی، یک جریان تصاعدی تشدید فدا لیت بخاطر شکست انقلاب مردم ما را نشان میدهد. اخبار خبرگزاریهای خارجی نشان میدهد که پنتاگون ناهرمی ایالات متحده آمریکا، سرگرم تدارک اجرای طرح شوم اعزام نیروی نظامی یکصد و ده هزار نفری به منطقه خلیج فارس است. اکنون فعالیت‌های خرابکارانه و تروریستی عوامل سیا، موساد و ساواک در خوزستان و سایر نقاط کشور ابعاد گسترده‌تری یافته است. جیمی کارتر، که با سناتورها و دستگاه تبلیغاتی‌اش بر اثر به کیفر رسیدن سرسپردگان امپریالیسم و استبداد رژیم تبهکار و چپاولگر پسر رضا خان و کوتاه شدن دست غارتگران امپریالیست و صهیونیست از منابع ثروت ملی ما، بی‌توجه به جنایتهای خویش، فریاد و حقوق بشر را سر میدهد، بمنظور شکست انقلاب ایران، جنایت تازه‌ای را، به بهانه تأمین امنیت جریان نفت، تدارک می‌بیند. متأسفانه دولت عراق، بر خلاف مصالح ملی و ضد امپریالیستی خلقهای عراق و ایران، خود را به توطئه خیانتکارانه بر ضد انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران آلوده کرده است. دولت عراق، که از تعقیب، شکنجه، حبس و کشتار مبارزان دمکرات و کمونیست و مسلمانان مبارز عراقی فرو گذار نمی‌کند و اختناق هولناکی را در کشور عراق برقرار کرده است، برای عطف توجه مردم عراق به خارج کشور، در اقداماتی شرکت میکند که به زیان جنبش انقلابی ایران و همه جنبشهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی منطقه است.

بدیهی است که خلق عرب خوزستان و سایر خلقهای غیر فارسی زبان ایران، در چهار چوب استقلال و تمامیت ارضی کشور و جمهوری اسلامی می‌توانند و باید که از قید ستم ملی گذشته رهایی یابند و به حقوق حقه خود نایل گردند. به اعتقاد ما، قدرت عظیم ایران آزاد، ضد امپریالیست و مستقل، در اتحاد برادرانه و برابر حقوق و ضد امپریالیستی همه خلقهای آن نهفته است. مردم ایران در این شرایط حساس تاریخ از خلق عرب مبارز و ستمدیده خوزستان انتظار دارند که بیداری انقلابی خود را حفظ کنند و با مسئله جدی حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران با مسئولیت جدی برخورد نمایند و به تبلیغات نفاق افکنانه و ضد انقلابی امپریالیسم، عوامل شاه مخلوع، زمینداران بزرگ و عوامل دشمن پاسخ دندان شکن بدهند، مردم ایران، بویژه از طبقه کارگر خوزستان، اعم از عرب و غیر عرب، انتظار دارند که از صنعت نفت و سایر صنایع مهم خوزستان مانند مردمک دیده حراست کند و آنها را از هر گونه گزند و خرابکاری ضد انقلاب مصون نگاهدارد.

در این شرایط حساس، سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان، به طبقه کارگر قهرمان خوزستان، که پیشانی انقلابی خود را در صحنه شریط، چه پیش از انقلاب و چه در ماهها و روزهای انقلاب و پس از انقلاب نشان داده است، به خلق عرب خوزستان، به همه دهقانان میهن دوست خوزستان، به جامعه روحانیت مترقی و مبارز خوزستان، به پیشه‌وران، بازاریان میهن پرست، دانشگامیان، روشنفکران و سایر قشرهای ملی و ضد امپریالیست خوزستان، به همه گروههای مبارزی که در جریان مبارزه با شاه مخلوع صداقت انقلابی خود را نشان داده‌اند، روی می‌آورد و همه را برای مقابله متحد با خطری که بر ضد انقلاب شکوهمند خلقهای ایران و بر ضد تمامیت ارضی ایران و استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی مردم ما با شتابی فزاینده می‌خزد، دعوت میکند.

توطئه‌ای که در پشت دستگیری سعادتی نهفته است



گوشه‌ای از راه پیمائی روز سه شنبه ۱۲ تیر ماه برای آزادی محمدرضا سعادت

هم اظهار نظر کرد که: «جریان سعادتی اصلا جاسوسی نیست» و دولت هم اعلام کرد که در بازداشت و بازجویی سعادتی دخالتی نداشته است.

مدارک موجود هم نشان می‌دهد که افراد يك کمیته غیر مسئول یعنی کمیته‌ای غیر از ۱۴ کمیته رسمی امام در تهران، که محل استقرارش در سفارت آمریکا است، محمدرضا سعادت را دستگیر کرده و او را به خانه مشکوک در پشت سفارت آمریکا برده‌اند. هنگامیکه يك اکیپ سازمان مجاهدین برای نجات سعادت اقدام کرده، بلافاصله مأمورین همین کمیته خانه را محاصره کرده‌اند. منابع موثق، از جمله سازمان مجاهدین، مأمورین بی‌سیم بدست آمریکائی را دیده‌اند، که افراد کمیته مستقر در سفارت آمریکا را هدایت می‌کرده‌اند. آنچه که بطور غیر قانونی از مدارک بازجویی سعادت منتشر شده، نشان دهنده این امر است که او را متهم به «اختلال در روابط ایران و آمریکا» دانسته‌اند و بازجویی ناشناس کوشیده است، به هر نحو او را با اتحاد شوروی مربوط کند. باین ترتیب میتوان گفت که محافل که در دستگیری سعادت مؤثر بوده‌اند دو هدف مشخص داشته‌اند:

۱- خدشه دار کردن حیثیت سازمان مجاهدین خلق ایران که با داشتن پیشش توحیدی، قاطعانه مشی ضد امپریالیستی را پیگیری میکند، با سوء استفاده از تعصبات مذهبی مردم برای جدا کردن صفوف خلق، سازمان مجاهدین این نظر را باین ترتیب تأیید کرده است: «گزارش‌هایی دریافت کرده‌ایم که کاخ سفید در حال طرح ریزی‌هایی برای دخالت در امور ایران از طریق سوء استفاده از تعصبات مذهبی مردم در جهت ایجاد تفرقه و نفاق است.»

۲- ایجاد جو ضد شوروی، برای بهره برداری ضد کمونیستی و ضد شوروی، از طریق ثابت کردن دخالت این کشور در امور داخلی ایران، بهر ترتیب که ممکن است

اینکه که توطئه امپریالیستهای امریکائی و مرتجعین داخلی در مورد دستگیری محمدرضا سعادت کاملاً فاش شده است، مقامات مسئول فقط دو کار باید انجام دهند، نخست آنکه محمدرضا سعادت را بیدرنک آزاد سازند. دوم آنکه طراحان و اجرا کنندگان این توطئه را افشاء کنند و مورد تعقیب قرار دهند و بمجازات برسانند. هر گونه تأخیر و تعللی در این زمینه مسئولیت مقامات مسئول را سنگین تر میکند و دست امپریالیستهای امریکائی و مرتجعین داخلی را در ادامه این قبیل توطئه‌ها بازتر میکند.

راه پیمائی عظیم روز سه شنبه گذشته در تهران، که هزاران نفر در آن شرکت داشتند، بحرانی را که دستگیری محمدرضا سعادت عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بوجود آورده است، به اوج خود رساند.

راه پیمائی در شرایطی انجام شد که ۷۰ روز از دستگیری سعادت می‌گذشت. دستگیری بحرانی که از آغاز نقطه نظرهای متفاوتی پیرامون آن عنوان میشد و اینک روشن شده که این توطئه از جانب امپریالیسم تدارک دیده شده است.

بمداد دستگیری سعادت، در روزنامه‌ها علت دستگیری او «جاسوسی برای شوروی» اعلام شد و چندی بعد هم مدارکی منتشر شد که گفته میشد خط سعادت است و دلال بر اینست که او بایکی از مقامات سفارت شوروی ارتباط داشته است.

سازمان مجاهدین خلق ایران، از همان ابتدا اتهام جاسوسی به عضو خود را قاطعانه رد کرد و چند بار از دولت تقاضای رسمی کرد تا باین اتهام رسیدگی شود. سازمان مجاهدین همچنین اعلام کرده که سعادت را بمداد دستگیری شکنجه داده‌اند.

در حالیکه دولت در این باره سکوت کرده بود مساله سعادت هر روز حادث تر شد. آیت‌الله کنی اعلام کرد که سعادت شکنجه نشده و هادوی دادستان کل انقلاب هم رسیدگی به اتهام او را موکول به تشکیل دادگاه کرد.

سازمان مجاهدین خلق ایران که از ابتدا دستگیری سعادت را توطئه مشترک استعماری و ارتجاعی بر علیه مجاهدین خلق ایران به منظور خدشه دار کردن حیثیت این سازمان میدانست، مدارک موجود درباره دستگیری سعادت را منتشر کرد.

بدنبال اعتصاب غذای سعادت در زندان و تحسن خانواده شهدای مجاهدین در دادگستری برای آزادی او، چند راه پیمائی در پشتیبانی از سعادت در تهران انجام شد و درست با آغاز راه پیمائی گروه‌های مشکوکی که شعار میدادند: «سعادت، جاسوس شوروی اعدام باید گردد»، کوشیدند تا با حمله به راه پیمایان و حتی به مادر رضائی‌ها، که سرگرم سخنرانی بود، زمین را برای يك درگیری خونین فراهم کنند. خوشبختانه هوشیاری راه پیمایان و روش عاقلانه پاسداران مانع انجام مقصود آنها شد.

حضور این گروه‌ها بروشنی پرده از توطئه امپریالیستی دستگیری سعادت برداشت، بویژه که حضرت آیت‌الله طالقانی

از: «شنبه»
دوشیزه نایبای ۱۳ ساله
همچنان باید رفت
گذشتن از درهای بسته
و رسیدن به پنجره‌های باز
زاد راه ایمان در دست
گام نهادن بر راه دراز
با شتابی بی تاب
در رهی بس باریک
با سحر گاهی نزدیک، اما تاریک
گاه ایستادن
و سرودی تازه و دگر باره بر او
آنچنان باید رفت
با تلاشی پیگیر
با قدمهائی رهوارتر و پویاتر
همچنان باید رفت
تا نهایت اوج
این ره بی برگشت
با تلاشی پیگیر
همچنان باید رفت...

بیاد مهندس محمد برنا مقدم یار وفادار توده‌ای



۱۴ تیرماه ۱۳۵۷، قلب پر شور مهندس محمد برنا مقدم (م. برمون) از حرکت بازماند. وی نمونه‌ای از آن مبارزان انقلابی توده‌ای بود که برغم همه فشارها و ناامیلات، تا آخرین نفس، نه فقط به آرمان خود وفادار ماند، بلکه همواره در راه پیشبرد آرمان انقلابی و خلقی حزب طبقه کارگر ایران فعال بود.

مهندس محمد برنا مقدم که تمام زندگی آگاهانه ۵۵ ساله خود را وقف خدمت به خلق و به حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران کرد، بارها بزندان افتاد و پس از آزادی، همواره تحت فشار پلیس و ساواک قرار داشت، ولی هیچ فشاری نتوانست اراده آهنین او را دردم شکنند. اراده آهنین او هنگامی بیش از پیش آشکار شد که با وجود فلج دوپا، که در سانحه‌ای رخ داده بود، نزدیک بیست سال با همان شور و شوق، با همان فعالیت و تحرک همیشگی به مبارزه خود ادامه داد.

مهندس محمد برنا مقدم هم بعنوان يك شخصیت فرهنگی، توانست برای نسل جوانی که در دوران ترور و اختناق پهلوی رشد میکرد، سرمشقی از فداکاری، استواری و وفاداری در پیکار بخاطر پیروزی آرمانهای خلق باشد. محبوبیت او در بین هم‌زمان همکاران، شاگردان و جوانان مبارزان انقلابی از همینجاست. یادش گرامی باد!

تحصن کارگران شرکت پارسونز جوردن امریکائی

کارگران شرکت پارسونز جوردن امریکائی، پیمانکار شرکت ملی صنایع مس ایران، از تاریخ ۵ تیر ماه دست به تحصن زدند. خواستهای کارگران پارسونز، عبارتند از: پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده، پرداخت حق مسکن، حق خواروبار، حق ایاب و ذهاب و حق کارگران در تحصن بسرمییرند.

ما هرگز به اصول انترناسیونالیسم خیانت نخواهیم کرد

متن کامل نطق رفیق فیدل کاسترو که در سنتیا گودو کوبا، بمناسبت قیام مونکارا ایراد شد.
از انتشارات حزب توده ایران، سال ۱۳۵۸ منتشر شد

به ناراضی تراشی پایان دهید

از مجموع حوادثی که این روزها در گوشه و کنار ایران میگذرد، بسراحتی میتوان حدس زد که ضد انقلاب پورش جدیدی را آغاز کرده است که هدف آن ایجاد بلوا و آشوب و تشنج و در نهایت تضعیف انقلاب است. به آتش کشیدن خرمن‌های گندم در قزوین، ایجاد اختلاف و جنگ خانگی در شهرهای کوچک و روستاهای ایران در آستانه برداشت محصول و... از جمله این اقدامات است. آنچه که این نکرانها را تشدید می‌کند، ناراضی تراشی‌هایی است که در زمینه‌های مختلف، همزمان با تشدید فعالیت‌های ضد انقلاب انجام میگیرد، که اگر از روی عمد نباشد، از روی بی‌خبری و سهل‌انگاری است، ولی در هر حال بسوودها انقلاب است. تحصن‌های پیاپی در سازمانها و ادارات و کارخانه‌های مختلف، که معلول يك سلسله اختلاف نظرها، انحصارطلبی‌ها و دخالت‌های بی‌جای گروه‌های فشار است، و در کنار آنها گرانی مایحتاج عمومی و نایاب شدن واحتمار بر خی از اقلام مایحتاج عمومی، از جمله افسر گارد منحل شاه، بنام سروان اسماعیل یزدانفر وجود دارد. این نمونه‌ایست از اتحاد ارتجاع و عوامل فئودال با عمال رژیم سرنگون شده شاه برای اختلال در تحکیم دستاوردهای انقلاب. درباره تحصن‌ها و گرانی مایحتاج و افزایش قیمت‌ها نیز کافی است به اخباری که در روزنامه‌ها در این زمینه‌ها منتشر میشود، نگاهی گذرا افکنده شود.

از مجموع حوادثی که این روزها در گوشه و کنار ایران میگذرد، بسراحتی میتوان حدس زد که ضد انقلاب پورش جدیدی را آغاز کرده است که هدف آن ایجاد بلوا و آشوب و تشنج و در نهایت تضعیف انقلاب است. به آتش کشیدن خرمن‌های گندم در قزوین، ایجاد اختلاف و جنگ خانگی در شهرهای کوچک و روستاهای ایران در آستانه برداشت محصول و... از جمله این اقدامات است. آنچه که این نکرانها را تشدید می‌کند، ناراضی تراشی‌هایی است که در زمینه‌های مختلف، همزمان با تشدید فعالیت‌های ضد انقلاب انجام میگیرد، که اگر از روی عمد نباشد، از روی بی‌خبری و سهل‌انگاری است، ولی در هر حال بسوودها انقلاب است. تحصن‌های پیاپی در سازمانها و ادارات و کارخانه‌های مختلف، که معلول يك سلسله اختلاف نظرها، انحصارطلبی‌ها و دخالت‌های بی‌جای گروه‌های فشار است، و در کنار آنها گرانی مایحتاج عمومی و نایاب شدن واحتمار بر خی از اقلام مایحتاج عمومی، از جمله افسر گارد منحل شاه، بنام سروان اسماعیل یزدانفر وجود دارد. این نمونه‌ایست از اتحاد ارتجاع و عوامل فئودال با عمال رژیم سرنگون شده شاه برای اختلال در تحکیم دستاوردهای انقلاب. درباره تحصن‌ها و گرانی مایحتاج و افزایش قیمت‌ها نیز کافی است به اخباری که در روزنامه‌ها در این زمینه‌ها منتشر میشود، نگاهی گذرا افکنده شود.

نان سنگک را چراگران کرده‌اند

در باره گرانی مایحتاج عمومی، از برخی محلات تهران خبر نگاران «مروم» گزارش میدهند که نان سنگک را بدون مقدمه بسیاری از انانوائی‌ها پنج ریال گران کرده‌اند و ۱۵ ریال میفروشند. این گرانی در محلات کارگرنشین باعث اعتراضهای شدید زحمتکشانشده است.

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم

دفتر «مردم» در کار تشکیل يك کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.

از اعضا، دوستان و همکاران حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.

لطفاً کتابهای اهدائی را، از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، ننگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس «مردم»

مروم ارگان مرکزی حزب توده ایران قنلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر میشود.
نشانی: خواسان ۱۶، شنبه ۳۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق